

تبلیغ و تقرب

دوفصلنامه علمی - تخصصی

سال اول - شماره دوم

بهار و تابستان ۱۴۰۲

مبانی قرآنی - روایی حمایت از مظلومان

حجت الاسلام والمسلمین سید مصطفی عبدالله زاده*

«وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ... يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أُهْلُهَا» (نساء: ۷۵)

مقدمه

اساس جهان آفرینش بر عدل و ظلم ستیزی پایدار است و اجرای عدالت و حمایت از مستضعفان، ضروری ترین نیاز هر جامعه ای است. در طول تاریخ انبیاء در کنار مظلومان قرار گرفته اند؛ همچنین آموزه های اسلامی بر آن است تا به ندای هر مستضعفی در هر جای عالم پاسخ مثبت دهد و به حمایت آنان پردازد. مطالعه در آیات، روایات اهل بیت علیهم السلام، سیره آنان و حکومت علوی و سیاست های آن حضرت در مقاطع مختلف، به خوبی نشان می دهد دفاع و حمایت از مظلومان مهم ترین برنامه الهی بوده است. از آنجاکه برای برخی سؤال است که چه نیازی به حمایت مستضعفین عالم است و به چه دلیل نظام اسلامی از دیگر ملت های مستضعف در مقابل مستکبران حمایت می کند؟ در این نوشتار بررسی می شود آیا حمایت از مظلومان بر اساس مبانی آیات و روایات است یا نه؟ تحقیقات انجام شده روشن می کند آیات و روایات متعددی از اهل بیت علیهم السلام دلالت بر حمایت از مستضعفین (فارغ از دین، مذهب، رنگ، نژاد، جغرافیا، جنسیت و مانند آنها) دارد؛ تا جایی که بسیاری از فقهای شیعه حمایت از مظلومان را واجب دانسته اند.

* پژوهشگر گروه علمی امت و تمدن، پژوهشکده باقرالعلوم علیه السلام.

حمایت مظلوم در آیات قرآن

قرآن کوچک‌ترین ظلم و ستمی را بر مظلومان و مستضعفان روا نمی‌دارد و و همهٔ مسلمانان را در حمایت از مظلومان امر به جهاد می‌کند؛ به همین دلیل خدای متعال در آیات متعددی از مستضعفان حمایت کرده است که برای نمونه به برخی از آیات اشاره می‌شود.

۱. جهاد برای دفاع از مستضعفان

خداند متعال می‌فرماید: «وَمَا لَكُمْ لَا تَقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا»^۱ شما را چه شده است که در راه خدا و [رهایی] مردان و زنان و کودکان مستضعف [ی که ستمکاران هر گونه راه چاره را بر آنان بسته‌اند] نمی‌جنگید؟ آن مستضعفانی که همواره می‌گویند: پروردگارا، ما را از این شهری که اهلش ستمکارند، بیرون ببر و از سوی خود، سرپرستی برای ما بگمار و از جانب خود برای ما یآوری قرار ده».

تلاش برای رهایی مستضعفان از سلطهٔ ستمگران یکی از اهداف جهاد اسلامی است؛ چنانچه آیت‌الله مکارم شیرازی می‌نویسد: «جهاد اسلامی برای به‌دست‌آوردن مال و مقام یا منابع طبیعی و مواد کشورهای دیگر نیست، برای تحصیل بازار مصرف یا تحمیل عقیده و سیاست نمی‌باشد، بلکه تنها برای نشر اصول فضیلت و ایمان و دفاع از ستم‌دیدگان و زنان و مردان بال و پرشکسته و کودکان محروم و ستم‌دیده است و به این ترتیب جهاد دو هدف جامع دارد که در آیه فوق به آن اشاره شده یکی "هدف الهی" و دیگری "هدف انسانی" و این دو در حقیقت از یکدیگر جدا نیستند و به یک واقعیت باز می‌گردند».^۲ علامه طباطبایی می‌نویسد: «در این آیه شریفه تحریک و تهییجی است برای تمامی مؤمنین، چه آنهایی که ایمانشان خالص است و چه آنهایی که ایمانشان ضعیف و ناخالص است ... اولاً این قتال‌شان قتال در راه خداست و ثانیاً قتال در راه نجات مشتی مردم ناتوان است که به دست کفار استضعاف شده‌اند و خلاصه کلام اینکه آیه شریفه به این دسته از مردم می‌فرماید اگر ایمان به خدای تان ضعیف است، حداقل غیرت و تعصب که دارید و همین غیرت و تعصب اقتضا می‌کند از جای برخیزید و شر دشمن را از سر یک مشت زن و بچه و مردان ضعیف کوتاه کنید».^۳

۱. نساء: ۷۵.

۲. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۴، ص ۱۰.

۳. سیدمحمدحسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۴۱۹.

۲. عذاب الهی برای ظالمان

خداوند متعال در سوره شوری می‌فرماید: «إِنَّمَا السَّبِيلُ عَلَى الَّذِينَ يَظْلِمُونَ النَّاسَ وَيَبْغُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ»^۱ ایراد و محکومیت فقط متوجه کسانی است که به مردم ستم روا می‌دارند و به ناحق در زمین سرکشی می‌کنند، اینانند که برای آنان عذابی دردناک خواهد بود».

خداوند در این آیه به دلیل حفظ و حمایت مظلوم، برای ستمکاران عذاب دردناک قرار داده است؛ چنانچه در سوره فرقان آمده است: «... وَمَنْ يَظْلِمِ مِنْكُمْ نَذَابًا كَبِيرًا»^۲ و هر که از شما [در این دنیا] ستم کند، در قیامت عذابی بزرگ به او می‌چشانیم».

۳. مستضعفین پیشوایان و وارثان زمین

در سوره قصص آمده است: «وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُّوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ»^۳ ما می‌خواهیم بر مستضعفان زمین منت نهیم و آنان را پیشوایان و وارثان روی زمین قرار دهیم».

مسئله حاکمیت مستضعفان بر زمین، با عبارات و بیان‌های مختلفی در قرآن آمده است؛ چنانچه در سوره اعراف آمده است: «وَأَوْرَثْنَا الْقَوْمَ الَّذِينَ كَانُوا يُسْتَضَعُونَ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَغَارِبَهَا الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا...»^۴ و به آن گروهی که همواره ناتوان و زبون‌شان شمرده بودند، نواحی شرقی و غربی آن سرزمین را که در آن [از جهت فراوانی نعمت، ارزانی و حاصل‌خیزی] برکت قرار داده بودیم، بخشیدیم». همچنین خداوند متعال در مقابل ظالمان می‌فرماید: «... لَذُلِّكُنَّ الظَّالِمِينَ - وَلَنُسَكِّنَنَّكُمْ الْأَرْضَ مِنْ بَعْدِهِمْ...»^۵ ما قطعاً ستمکاران را نابود می‌کنیم و به یقین شما را پس از آنان در آن سرزمین ساکن خواهیم کرد».

خداوند در آیات دیگری امر به عدالت کرده است و اینکه پیامبران الهی فرهنگ عدالت‌محوری را بین مردم رواج دهند؛^۶ تا جایی که غیبت‌کردن ظالمان توسط مظلومین را جایز

۱. شوری: ۴۲.

۲. فرقان: ۱۹.

۳. قصص: ۵.

۴. اعراف: ۱۳۷.

۵. ابراهیم: ۱۳ و ۱۴.

۶. «قُلْ أَمَرَ رَبِّي بِالْقِسْطِ» (اعراف: ۲۹؛ حدید: ۲۵؛ مائده: ۴۲).

دانسته است.^۱ آیت الله مکارم شیرازی درباره غیبت ظالمان می نویسد:

از جمله آیاتی که در بحث تحریم "غیبت" به آن استدلال شده، همین آیه است؛ ولی مفهوم آیه منحصر به غیبت نیست و هر نوع بدگویی را شامل می شود. چنین افراد برای دفاع از خویشان در برابر ظلم ظالم حق دارند اقدام به شکایت کنند یا از مظالم و ستمگری ها، آشکارا مذمت و انتقاد و غیبت نمایند و تا حق خود را نگیرند و دفع ستم نمایند، از پای ننشینند. درحقیقت ذکر این استثناء به خاطر آن است که حکم اخلاقی فوق مورد سوء استفاده ظالمان و ستمگران واقع نشود یا بهانه ای برای تن دردادن به ستم نگردد.^۲

حمایت مظلوم در روایات

در منابع اسلامی روایات بسیاری در لزوم دفاع از مظلوم وجود دارد که برای نمونه به برخی از این روایات اشاره می شود.

۱. مسلمان نبودن کسی که به امر مسلمانان اهتمام نمی ورزد

کلینی از امام صادق علیه السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل می کند: «مَنْ أَصْبَحَ لَا يَهْتَمُّ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ مِنْهُمْ وَمَنْ سَمِعَ رَجُلًا يُتَادِي يَا لِلْمُسْلِمِينَ فَلَمْ يُجِبْهُ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ»^۳ کسی که صبح کند اما به مسائل مسلمانان اهتمامی نداشته باشد، مسلمان نیست و هر کس صدای مظلومی را بشنود که از مسلمانان کمک می طلبد و به کمک او نشتابد، مسلمان نیست».

این بخش از روایت که «وَمَنْ سَمِعَ رَجُلًا»، حتی غیر مسلمانان را نیز در برمی گیرد؛ بنابراین بر اساس این روایت هر کسی ندای مظلومیّت مظلومی را بشنود و استغناءش به گوش او برسد و توانایی یاری رساندن به او را داشته باشد و به یاری اش نشتابد، مسلمان نیست.^۴ علامه مجلسی می نویسد: این روایت دلالت دارد که فریادرسی فریادرس در صورت امکان واجب است.^۵

۱. «لَا يُجِبُّ اللَّهُ الْجَهْرَ بِالسُّوءِ مِنَ الْقَوْلِ إِلَّا مَنْ ظَلِمَ وَكَانَ اللَّهُ سَمِيعًا عَلِيمًا؛ خدا دوست نمی دارد که کسی با گفتار زشت به عیب خلق صدا بلند کند، مگر آنکه ظلمی به او رسیده باشد که خدا شنوا و به اقوال و احوال بندگان داناست» (نساء: ۱۴۸).

۲. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۴، ص ۱۸۴.

۳. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۱۶۴.

۴. «البتة مسلمان نبودن به معنای کافر بودن آن شخص و کفر فقهی نیست، بلکه نشان از اهمیت کمک به مستضعفین است».

۵. محمدباقر مجلسی، ملاذ الأخیار، ج ۹، ص ۴۶۵.

۲. قصد ظلم نکردن به دیگران مساوی با بخشش گناهان

امام صادق علیه السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل می‌کند: «مَنْ أَصْبَحَ لَا يَهُمُّ بِظُلْمِ أَحَدٍ غَفَرَ اللَّهُ مَا اجْتَرَمَ؛^۱ هر کس صبح کند و قصد ظلم کردن به کسی را نداشته باشد، خداوند جرم و گناه او را می‌بخشد». این حدیث نیز عام است و غیر مسلمانان را دربر می‌گیرد که کسی قصد ظلم به دیگران نداشته باشد، خداوند گناه او را می‌بخشد؛ چنانچه در حدیث دیگری هم از امام صادق علیه السلام نقل شده است: «مَنْ أَصْبَحَ لَا يَتَوَيُّ ظُلْمَ أَحَدٍ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ مَا أَذْنَبَ ذَلِكَ الْيَوْمَ مَا لَمْ يَسْفِكْ دَمًا أَوْ يَأْكُلْ مَالَ يَتِيمٍ حَرَامًا؛^۲ هر که صبح کند و در دل قصد ستم کردن به کسی را نکند، خداوند هر گناهی که آن روز کرده، بیامزد تا خونی نریزد و مال یتیمی را به حرام [و ناحق] نخورد».

۳. دشمن ظالمان و یاور مظلومان

امام علی علیه السلام در وصیتش به امام حسن و امام حسین علیهما السلام فرمودند: «وَكُونَا لِلظَّالِمِ خَصْمًا وَ لِلْمَظْلُومِ عَوْنًا؛^۳ همواره دشمن ظالمان و یاور مظلومان باشید».

حضرت در این روایت به طور مطلق فرمودند مدافع مظلومان باشید، گرچه مسلمان نباشد. همچنین امام سجاد علیه السلام در دعای ۳۸ می‌فرماید: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعْتَدُ إِلَيْكَ مِنْ مَظْلُومٍ ظَلِمَ بِحَضْرَتِي فَلَمْ أَنْصُرْهُ؛^۴ خدایا، از تو درباره ستم‌دیده‌ای پوزش می‌طلبم که در حضور من به او ستم رسیده و من به یاری او برنخاسته‌ام». در جای دیگر می‌فرماید: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ ... أَنْ تَعْضُدَ ظَالِمًا، أَوْ تَخُدِّلَ مَلْهُوفًا؛^۵ بار خدایا به تو پناه می‌آورم از آنکه ستمگری را یاری کنیم یا ستم‌دیده‌ای را تنها گذاریم». امام علی علیه السلام می‌فرماید: «وَ أَحْيِفُوا الظَّالِمَ وَ انصُرُوا المَظْلُومَ؛^۶ و ظالمان را بترسانید و مظلومان را یاری کنید». همچنین در روایت دیگری می‌فرماید: «أحسن العدل نصرة المظلوم؛^۷ بهترین عدالت یاری مظلوم است». نیز پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده است: «اتقوا دعوة المظلوم وإن كان كافراً فإنها ليس دونها حجاب؛^۸ از نفرین مظلوم بترسید، اگرچه کافر باشد؛ زیرا در برابر نفرین مظلوم پرده و مانعی نیست».

۱. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۳۳۲.

۲. همان.

۳. شریف الرضی، نهج البلاغة (للصباحي صالح)، ص ۴۲۱.

۴. علی بن الحسین علیهما السلام، الصحيفة السجادية، ص ۱۶۶.

۵. همان، ص ۵۶.

۶. محمد بن علی ابن بابویه، من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۵۲۱.

۷. عبدالواحد تمیمی آمدی، غرر الحکم و درر الکلم، ص ۱۹۲.

۸. ابوالقاسم پاینده، نهج الفصاحة، ص ۱۶۴.

۴. حمایت از مظلوم، پیمان خداوند با علما

امام علی علیه السلام درباره علت قبول خلافت در خطبه شمشقیه می فرماید: «وَمَا أَخَذَ اللَّهُ عَلَى الْعُلَمَاءِ إِلَّا يَتَرَوْا عَلَى كِبَاطِهِ ظَالِمٍ وَلَا سَعْبٍ مَظْلُومٍ لَا تَقْبَلُ حَبْلَهَا عَلَى غَارِبِهَا؛^۱ و اینکه خدا بر دانشمندان واجب کرده است که در برابر پر خوری ستمگر و گرسنگی ستمکش ساکت نشینند، ریسمان شتر خلافت را بر دوشش می افکنم».

از علل دیگری که امام علی علیه السلام خلافت را قبول کرده است، حمایت از مظلوم بوده است؛ چنانچه در امر بیعت می فرماید: «وَأَيْمُ اللَّهِ لَا تُصَفَّنَ الْمَظْلُومَ مِنْ ظَالِمِهِ وَلَا تُقَوَّدَنَّ الظَّالِمَ بِخِزَامَتِهِ حَتَّى أُرْدَهُ مَنَهْلَ الْحَقِّ وَإِنْ كَانَ كَارِهَا؛^۲ سوگند به خدا، حق ستمدیده را از ستمگر می ستانم و مهار در بینی ستمگر کرده، چون شتر می کشانم تا او را به آبشخور حق برم، اگر چه رفتن به آنجا را ناخوش دارد». در جای دیگر می فرماید: «الدَّلِيلُ عِنْدِي عَزِيزٌ حَتَّى أَخَذَ الْحَقُّ لَهُ وَالْقَوِيُّ عِنْدِي ضَعِيفٌ حَتَّى أَخَذَ الْحَقُّ مِنْهُ رَضِينَا عَنِ اللَّهِ قَضَاءَهُ وَسَلَّمْنَا لِلَّهِ أَمْرَهُ؛^۳ دلیل و ستمدیده نزد من عزیز است تا مادامی که حقش را از ظالم بگیرم و قوی و ستمگر نزد من خوار است تا حق مظلوم را از او بستانم. ما راضی به خواست پروردگار و تسلیم امر او هستیم».

امام علی علیه السلام در جاهای متعدد به حمایت از مظلوم سفارش می کرد؛ چنانچه در سفارش به امام حسن علیه السلام می فرماید: «وَلَا تَظْلِمُ كَمَا لَا تُحِبُّ أَنْ تُظْلَمَ وَأَخْسِنُ كَمَا تُحِبُّ أَنْ يُحْسَنَ إِلَيْكَ؛^۴ ستم نکن همان طور که دوست نداری مورد ستم واقع شوی و نیکی کن همان طور که دوست داری به تو نیکی شود». همچنین در نامه خود به مالک اشتر می فرماید: «فَإِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ فِي غَيْرِ مَوْطِنٍ لَنْ تُمَدَّسَ أُمَّةٌ لَا يُؤْخَذُ لِلضَّعِيفِ فِيهَا حَقُّهُ مِنَ الْقَوِيِّ غَيْرِ مُتَتَّعِعٍ؛^۵ زیرا من بارها از رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ این سخن را شنیدم که می فرمود: امتی که در آن حق ضعیف از زورمند با صراحت گرفته نشود، هرگز روی قداست و پاکی را نخواهد دید».

۵. نافع به مردم محبوبترین خلق

کلینی از امام صادق علیه السلام از پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل می کند: «الْخَلْقُ عِيَالُ اللَّهِ فَاحَبُّ الْخَلْقِ إِلَيَّ مَنْ نَفَعَ

۱. شریف الرضی، نهج البلاغه، ص ۵۰.

۲. همان، ۱۹۴.

۳. همان، ص ۸۱.

۴. همان، ص ۳۹۷.

۵. همان، ص ۴۳۹.

عِيَالِ اللَّهِ وَ أَدْخَلَ عَلَى أَهْلِ بَيْتِ سُورًا؛^۱ مردم عائله خدا هستند؛ پس محبوب‌ترین کس نزد خدا آن است که به عائله او سود رساند و خانواده‌ای را خوشحال کند».

این روایت عام و دربرگیرنده مسلمان و غیرمسلمان است. در روایت دیگری آمده است: «سُئِلَ رَسُولُ اللَّهِ ص مَنْ أَحَبُّ النَّاسِ إِلَى اللَّهِ قَالَ أَنْفَعُ النَّاسِ لِلنَّاسِ؛^۲ از پیامبر خدا ﷺ پرسیدند محبوب‌ترین مردم نزد خدا کیست؟ فرمود: سودمندترین مردم، برای مردم است». امام علی عليه السلام می‌فرماید:

وَمَنْ ظَلَمَ عِبَادَ اللَّهِ كَانَ اللَّهُ خَصْمَهُ دُونَ عِبَادِهِ وَمَنْ خَاصَمَهُ اللَّهُ أَذْخَصَ حُجَّتَهُ وَكَانَ لِلَّهِ حَرْبًا حَتَّى يَنْزِعَ أَوْ يَتُوبَ وَ لَيْسَ شَيْءٌ أَدْعَى إِلَى تَغْيِيرِ نِعْمَةِ اللَّهِ وَ تَعْجِيلِ نِقْمَتِهِ مِنْ إِقَامَةِ عَلَى ظُلْمٍ فَإِنَّ اللَّهَ [يَسْمَعُ] سَمِيعٌ دَعْوَةَ الْمُضْطَّهِدِينَ وَ هُوَ لِلظَّالِمِينَ بِالْمِرْصَادِ؛^۳ و هر که بر بندگان خدا ستم کند، افزون بر بندگان، خدا نیز خصم او بود و خدا با هر که خصومت کند، حجتش را نادرست سازد و همواره با او در جنگ باشد تا از این کار باز ایستد و توبه کند. هیچ چیز چون ستمکاری، نعمت خدا را دیگرگون نکند و خشم خدا را برنینگیزد؛ زیرا خدا دعای ستمدیدگان را می‌شنود و در کمین ستمکاران است.

۶. تغییر نعمت‌ها و نزول بلا به وسیله ظلم

شیخ صدوق از امام سجاد عليه السلام نقل می‌کند: «وَالدُّنُوبُ الَّتِي تُنْزِلُ الْبَلَاءَ تَرْكُ إِعَاثَةِ الْمَلْهُوفِ وَ تَرْكُ مُعَاوَنَةِ الْمَظْلُومِ؛^۴ گناهانی که باعث تغییر نعمت حق بر عبد است، عبارت است از: ... و گناهانی که باعث نزول بلاست: ترک فریادرسی نسبت به انسان دل‌سوخته گرفتار و ترک یاری مظلوم».

بر اساس این روایت ظلم به مردم سبب تغییر نعمت و نزول بلا می‌شود؛ به گونه‌ای که امام صادق عليه السلام فرمودند: «لَيْسَ مِنْ شِيعَتِنَا مَنْ ظَلَمَ النَّاسَ؛^۵ از شیعه ما نیست کسی که به مردم ظلم می‌کند.

مظلوم اعم از مسلمان یا غیرمسلمان مورد حمایت اهل بیت عليهم السلام بودند؛ چنانچه در سیره امام

۱. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۱۶۴.

۲. همان.

۳. شریف الرضی، نهج البلاغه، ص ۴۲۸ و ۴۲۹.

۴. محمد بن علی ابن بابویه، معانی الأخبار، ص ۲۷۰ و ۲۷۱.

۵. نعمان بن محمد ابن حیون، شرح الأخبار، ج ۳، ص ۴۵۶.

علی علیه السلام آمده است:

وَقَدْ بَلَّغْنِي أَنَّ الرَّجُلَ مِنْهُمْ كَانَ يَدْخُلُ عَلَى الْمَرْأَةِ الْمُسْلِمَةِ وَالْأُخْرَى الْمُعَاهَدَةَ فَيَنْتَزِعُ حِجْلَهَا وَقَلْبَهَا وَقَلَائِدَهَا وَرِعَائَهَا مَا تُمْنَعُ مِنْهُ إِلَّا بِالِاسْتِزْجَاعِ وَالِاسْتِزْحَامِ ثُمَّ انْصَرَفُوا وَأَفْرِينَ مَا نَالَ رَجُلًا مِنْهُمْ كَلْمٌ وَلَا أُرِيقَ لَهُ دَمٌ فَلَوْ أَنَّ امْرَأً مُسْلِمًا مَاتَ مِنْ بَعْدِ هَذَا أَسْفَاً مَا كَانَ يَهْمُ مَا بَلَّ كَانَ عِنْدِي بِهِ جَدِيرًا؛^۱ به من خبر رسیده است که مردانی از آن سپاهیان بر زن مسلمان یا غیر مسلمان که معاهده زندگی در جوامع اسلامی او را تأمین نموده است، هجوم برده، خلخال از پا و دستبند از دست آنان در آورده‌اند، گردن‌بندها و گوشواره‌های آنان را به یغما برده‌اند، این بینوایان در برابر آن غارتگران نمی‌توانسته از او ممانعت کنند، مگر آنکه صدا به گریه و زاری بلند نموده از خویشان خود کمک بطلبند؛ پس دشمنان [از این کارزار] با غنیمت و دارایی بسیار بازگشتند؛ در صورتی که يك نفر از آنها زخمی نرسید و خونی از آنها ریخته نشد. اگر مرد مسلمانی از شنیدن این واقعه از حزن و اندوه بمیرد، بر او ملامت نیست، بلکه به نزد من هم به مردن سزاوار است.

نزد امام علی علیه السلام عرب و عجم فرقی نمی‌کرد و عرب را بر عجم برتری نمی‌داد و هر کسی مظلوم بود، حمایت می‌کرد.^۲

فقهای شیعه همچون کاشف الغطا و دیگران بر اساس همین روایات فتوا دادند کمک به مظلوم در مقابل ظالم واجب است؛^۳ حتی قایل به وجوب دروغ و قسم دروغ برای حفظ مظلوم و مالش هستند.^۴ امام خمینی رحمته الله علیه برای دفاع از مظلوم می‌فرماید: «ما در اقصی بلاد دنیا اگر یک کسی بهمان بگوید که "یا للمسلمین"، ما موظفیم که به درد آنها برسیم، هر قدری می‌توانیم. ما نمی‌گوییم که ما می‌توانیم همه جا چه بکنیم. ما آن قدری که می‌توانیم دفاع از حق مسلمین می‌کنیم. مسلمین معنایش نیست ایرانی، مسلمین کسی که یک مسلمی فریاد زد که به داد ما برسید و نرود سراغش، فکر او نباشد، این مسلم نیست، این انحراف است، ملتفت نیستید

۱. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۵.

۲. عبدالحمید بن هبة الله ابن أبي الحديد، شرح نهج البلاغة، ج ۲، ص ۱۹۷؛ محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۲۹، ص ۴۹۳ و ج ۴۱، ص ۱۳۳.

۳. جعفر بن خضر کاشف الغطاء، کشف الغطاء، ج ۴، ص ۳۶۷؛ جواد بن علی تبریزی، أسس الحدود و التعزیرات، ص ۴۶۶.

۴. حسن بن یوسف حلّی، قواعد الأحكام، ج ۳، ص ۲۷۰؛ محمدحسن نجفی، جواهر الکلام، ج ۳۵، ص ۳۴۲.

شماها، این انحراف است از اسلام، این بی‌توجهی است به مقاصد اسلام. اسلام برای ایران نیامده، اسلام برای عالم آمده. بعثت، بعثت برای همه است و همه باید تابع باشند»^۱.

نتیجه

در روایات متعدد بیان شده است کسی که به امر مسلمانان اهتمام نرزد، مسلمان نیست و کسی که قصدش ظلم‌نکردن به دیگران باشد، گناهان او بخشیده می‌شود. اهل بیت علیهم‌السلام سفارش کرده‌اند یاور مظلومان باشید و حمایت مظلوم پیمان خدا با علماست؛ همچنین محبوب‌ترین خلق نزد خداوند کسی است که به دیگران نفع برساند. ظلم و ستم سبب نزول بلا و تغییر نعمت‌هاست تا جایی که امام علی علیه‌السلام در کشیدن خلخال از زن مسلمان و یهودی فرمود: «اگر مرد مسلمانی از شنیدن این واقعه از حزن و اندوه بمیرد، بر او ملامت نیست، بلکه به نزد من هم به مردن سزاوار است». بنا بر همین روایات، فقهای شیعه به وجوب حمایت از مظلومان فتوا داده‌اند.

فهرست منابع

قرآن کریم

۱. ابن‌ابی‌الحدید، عبدالحمید بن هبة الله، شرح نهج البلاغة لابن‌أبي‌الحدید، چ اول، قم: مکتبة آیت‌الله المرعشی‌النجفی، ۱۴۰۴ ق.
۲. ابن‌بابویه، محمد بن علی، الأمالی، چ ششم، تهران: کتابچی، ۱۳۷۶.
۳. _____، معانی الأخبار، چ اول، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۰۳ ق.
۴. _____، من لا یحضره الفقیه، چ دوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۳ ق.
۵. ابن‌حیون، نعمان بن محمد، شرح الأخبار فی فضائل الأئمة الأطهار، چ اول، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۰۹ ق.
۶. پاینده، ابوالقاسم، نهج الفصاحة (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله)، چ چهارم، تهران: دنیای دانش، ۱۳۸۲.

۱. سیدروح‌الله موسوی خمینی، صحیفه امام، ج ۱۹، ص ۲۲۹ و ۲۳۰.

۷. تبریزی، جواد بن علی، أسس الحدود و التعزیرات، چ اول، قم: دفتر مؤلف، ۱۴۱۷ ق.
۸. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، غرر الحکم و درر الکلم (مجموعه من کلمات و حکم الإمام علي عليه السلام)، چ دوم، قم: دار الكتاب الإسلامي، ۱۴۱۰ ق.
۹. شریف الرضی، محمد بن حسین، نهج البلاغة (للصبيحي صالح)، چ اول، قم: هجرت، ۱۴۱۴ ق.
۱۰. طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان في تفسير القرآن، چ دوم، بیروت: مؤسسة الأعلمي للمطبوعات، ۱۳۹۰ ق.
۱۱. علامه حلی، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، قواعد الأحكام في معرفة الحلال و الحرام، چ اول، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسين حوزه علمیه قم، ۱۴۱۳ ق.
۱۲. علی بن الحسین علیه السلام، امام چهارم، الصحيفة السجادية، چ اول، قم: نشر الهادی، ۱۳۷۶.
۱۳. کاشف الغطاء، جعفر بن خضر مالکی، کشف الغطاء عن مبهمات الشريعة الغراء (ط - الحديثة)، چ اول، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۴۲۲ ق.
۱۴. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافي، چ چهارم، تهران: دار الکتب الإسلامية، ۱۴۰۷ ق.
۱۵. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، چ دوم، بیروت: دار إحياء التراث العربي، ۱۴۰۳ ق.
۱۶. _____، ملاذ الأخيار في فهم تهذيب الأخبار، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۶ ق.
۱۷. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، تفسیر نمونه، چ دهم، تهران: دار الکتب الإسلامية، ۱۳۷۱.
۱۸. موسوی خمینی، سید روح الله، صحیفه امام، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، ۱۳۶۴.
۱۹. نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام في شرح شرائع الإسلام، چ هفتم، بیروت: دار إحياء التراث العربي، [بی تا].